بازگشت به ریتم زندگی

نکاتی که برای بازگشت به کار بعد از تعطیلات نوروزی باید رعایت کنیم

۱۰

هلند از ما ترسیده بود

گفت‌وگو با حسن روشن که با تیم ملی برای نخستین بار به جام جهانی ۱۹۷۸ صعود کرد

۱۲

پدرم با قرآن و حافظ بزرگ شد

فرزند شهریار از انس و الفت پدرش با قرآن می‌گوید

۱۳

پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ ■ ۵ رمضان ۱۴۴۳ ■ شماره ۱۵۸

همشهری روزنامه زندگی

شکل دیگری از زندگی

گفت‌وگو با عباس موزون که با «زندگی پس از زندگی» بینندگان زیادی را پای تلویزیون نشانده

عیسی محمدی

شاید بعد از عدم پخش «ماه عسل» و رفتن احسان علیخانی به «عصر جدید»، کمتر کسی فکر می‌کرد که به این زودی‌ها، برنامه‌ای معارفی در صداوسیما ظهور کند که به همان شدت مورد توجه قرار گیرد اما «زندگی پس از زندگی»، چراغ خاموش آمد و هم در فرم، هم در اجرا و هم در محتوا، ثابت کرد که حالا باید مهم‌ترین برنامه معارفی تلویزیون را این برنامه بدانیم اما حالا همه دارند از این برنامه صحبت می‌کنند و از مصاحبه‌شونده‌های آن و اثراتی که در زندگی‌شان گذاشته است. گروهی نیز معتقدند که این برنامه سطح برنامه‌های معارفی و حتی غیرمعارفی صداوسیما را یکی-دو پله به تنهایی بالا برده است. حالا شبکه ۴ با چنین برنامه‌ای، این روزها بیشتر دیده می‌شود. فصل سوم این برنامه نیز در حال پخش است؛ و البته انتقاداتی به آن نیز مطرح شده و مطرح می‌شود. با عباس موزون، تهیه‌کننده و مجری این برنامه که پژوهشگری حرفه‌ای در حوزه خودش محسوب می‌شود درباره زندگی پس از زندگی صحبت کرده‌ایم.

مطالعات موردی که درباره تجربه‌های مرگ در ایران داشته‌اید و بخش‌هایی از آن را داریم در فصل‌های مختلف زندگی پس از زندگی می‌بینیم، آیا برای پژوهشگران خارجی جالب و محل استفاده بوده؟

واقعیت این است که به لطف خدا تاکنون در میان برنامه‌های تلویزیونی، این مجموعه بیشترین بازتاب خودبه‌خودی را در خارج از کشور داشته است.

منظورتان از خودبه‌خودی چیست؟

خودبه‌خودی به این معنا که افراد متعدد و ناشناسی بدون اطلاع و ارتباط با ما شخصا صفحاتی در اینترنت ویژه بازنشر و ترجمه این برنامه به زبان‌های مختلف ایجاد کرده‌اند.

اقبال غیرایرانیان چطور بوده؟

میزان اقبال غیرایرانیان خارج از کشور از این برنامه به حدی بوده است که هم‌اکنون برنامه به زبان‌های عربی و انگلیسی و دیگر زبان‌ها توسط علاقه‌مندان ترجمه شده و در یوتیوب و اینستاگرام منتشر شده و می‌شود.

آیا شبکه‌های خارجی هم برای بازنشر برنامه درخواست داده‌اند؟

یکی از کانال‌های تلویزیونی کشور ترکیه و یکی از شبکه‌های هندی برای ترجمه و بازپخش آن در ترکیه و هند درخواست داده‌اند. از کشور عراق یک تیم برای دعوت به ساخت مشترک این مجموعه ارتباط گرفته و نماینده به ایران اعزام کرده‌اند. کارشناسان و محققانی از آمریکا و سوئیس ابراز علاقه کرده‌اند که به مجموعه مصاحبه‌ها و تحقیقات میدانی‌ای که در ۷سال گذشته انجام داده‌ام برای مطالعه دسترسی داشته باشند.

پس سابقه همکاری و ارتباط شما با کارشناسان بین‌الملل به قبل از این برنامه برمی‌گردد؟

در حوزه ارتباطات تخصصی با پژوهشگران خارجی هم باید عرض کنم به لطف خدا در سال‌های گذشته با مشهورترین و فعال‌ترین افراد این حوزه در اروپا و آمریکا مرتبط بوده‌ام و همیشه تجربیات ایرانی‌ها برای آنها بسیار جالب‌توجه بوده و هست. می‌توانم به برخی از مشاهیر این حوزه پژوهشی که با آنها در تعامل علمی هستم مانند آقای دکتر ریموند مودی «بنیانگذار تحقیقات نزدیک به مرگ»، دکتر نیکلای رئیس انجمن تحقیقات نزدیک به مرگ آلمان، دکتر ایبن الکساندر استاد دانشگاه هاروارد و جراح مغز و اعصاب که نویسنده و محقق تجربیات نزدیک به مرگ است و خود یکی از مشهورترین تجارب نزدیک به مرگ جهان را دارد اشاره کنم. همچنین آقای دکتر ابرهارد راست، رئیس انجمن تحقیقات نزدیک به مرگ سوئیس و بسیاری دیگر...

این کارشناس‌ها با برنامه شما هم ارتباط گرفته‌اند؟ یعنی می‌خواهم بدانم تولید یک برنامه تلویزیونی و عام برای این کارشناسان تخصصی جالب بوده یا نه؟

این افراد توجه خاصی به مطالعات انجام شده در سال‌های گذشته نشان داده‌اند تا جایی که تمام آنها حاضر شدند به‌عنوان محقق مدعو در برنامه زندگی پس از زندگی حاضر شوند. همین امر ناشی از توجه عمیق این عزیزان به مطالعات و پژوهش‌های انجام شده است. در یک مورد بنیاد تحقیقات تجارب نزدیک به مرگ آمریکا مطلبی را که در صفحه اینستاگرام شخصی بنده منتشر شده بود و در آن خطاب به روانشناسان جهان پرسشی را درباره یک تجربه‌گر خوزستانی مطرح کرده بودم در صفحه خود بازنشر کرده و نوشته بودند، با این مضمون «پرسش جالبی از یک محقق ایرانی».

همچنین افراد مختلفی از کشورهای اسلامی و غیراسلامی پیام‌های فراوانی برای همکاری‌ها مشترک در زمینه‌های مختلف برای بنده ارسال کرده‌اند که رسیدگی به همه آنها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است.

آیا امکان داشت که امسال این برنامه پخش نشود؟

سال ۱۴۰۰ بنده و همسرم حدود یک‌ماه به‌علت کرونای شدید بستری بودیم؛ حدود ۲هفته در منزل و سپس ۲هفته در بیمارستان. درحالی‌که ماسک تنفس اکسیژن داشتم لپ‌تاپ را روی میز متحرک بیمارستان می‌گذاشتم و درازکش کارهای برنامه و تماس‌های تلفنی را برقرار می‌کردم و ناگزیر شدم نفراتی را به تیم اضافه و برخی امور را در آن ایام به‌طور نسبی محول و همزمان نظارت کنم تا کار عقب نماند. مشکلات دیگری هم از همین نوع پیش آمد که خیلی‌ها نصیحتم کردند که امسال به زمان‌بندی نخواهی رسید و از تولید فصل سوم در ماه‌رمضان انصراف بده اما با توکل به خدا با کمترین فرصت‌های باقی استفاده شد و با وجود یک ماه عقب‌افتادگی کرونایی کار به رمضان وصال داد، به لطف خدا و دعای مردم.

چه مواردی به فصل جدید اضافه شده است؟

موارد افزوده شده مختلف و در ۲حوزه فرم و محتواست؛ مثل مستند بازسازی‌های کوتاه - ژئولوکیشن (جانمایی جغرافیایی) در آغاز برنامه، تعدادی تجربه با محتوای بی‌سابقه که در خارج ایران هم نمونه و سابقه‌ای بر آن نیست و قطعا برای پژوهشگران این حوزه در تمام دنیا جالب خواهد بود، ۲تجربه‌گر خارجی از ۲کشور مختلف که به‌عنوان مهمان ویژه زندگی پس از زندگی در برنامه حضور یافتند، کارشناسان جدیدی از قاره اروپا و آمریکا و موارد دیگر...

> **میزان اقبال غیرایرانیان خارج از کشور از این برنامه به حدی بوده است که هم‌اکنون برنامه به زبان‌های عربی و انگلیسی و دیگر زبان‌ها توسط علاقه‌مندان ترجمه شده و در یوتیوب و اینستاگرام منتشر شده و می‌شود**

گروهی اعتقاد دارند که این توضیحات و توصیفات می‌تواند نوعی توهم ناشی از سوءکارکرد ذهن باشد. پاسخ شما به این نقدها چیست؟

این همان پرسشی است که بنده از روانشناسان جهان پرسیدم و بنیاد تحقیقات آمریکا آن را بازنشر داد و در پاسخ به پرسش قبلی شما عرض کردم. پاسخ بنده برای این افراد متعدد است اما یکی از مهم‌ترین این پاسخ‌ها چنین است: «تجربه‌گران مختلفی هستند که پس از خروج از کما گزارش‌هایی ارائه می‌کنند از آنچه حین کمای ایشان در زمان‌ها و مکان‌های دیگر رخ داده است و این گزارش‌ها توسط دیگران تأیید نیز می‌شود.» شکاکان باید پاسخ دهند که چگونه یک مغز متوهم می‌تواند رویدادها و وقایع رخ داده در زمان‌ها و مکان‌هایی را که در دسترس حواس پنجگانه او نیست، به‌صورت دقیق و با ذکر جزئیات ارائه کند و توسط دیگران هم تأیید شود.

تفاوت‌های موجود در نوع ادراکات پس از مرگ در افراد مختلف چطور قابل توجیه است؟

در عالم فراماده و ملکوت این ملکات افراد هستند که او برای خود ساخته است و همانطور که ۲خانه یک شکل توسط انسان‌ها در دنیا ساخته نمی‌شود و تفاوت‌ها به عدد آدمیان است لذا تفاوت عالم ملکوت افراد نیز به عدد ایشان متفاوت است. البته مثل همان خانه‌هایی که افراد برای خود می‌سازند ممکن است ۲آپارتمان در یک مجموعه در کلیت شبیه باشند ما در جزئیات ۲عمارت یا خانه توسط انسان‌ها ساخته شدنی است و همین منحصربه‌فرد بودن که در تمام مخلوقات خداوند و مصنوعات بشری در عالم ماده وجود دارد به طریق اولی در عالم ملکوت هم به همین شکل است.

اساسا علم می‌تواند به این حوزه ورود کند؟

اساسا این حوزه چیزی جز علم به‌معنای آگاهی اصیل و اصلی‌اش نیست. البته اگر منظورتان علم دانشگاه یا همان علوم تجربی پوزیتیویستی هم باشد باز پاسخ بنده همین خواهد بود. زیرا تعریف علم رایج دانشگاه براساس انطباق نتایج به‌دست آمده درباره یک پدیده ثابت و مشخص است و این پدیده‌ها دقیقا از همین قاعده پیروی می‌کنند. وجود تشابهات فراوان در بیان هزاران تجربه نزدیک به مرگ در دنیا این حوزه را کاملا علمی می‌کند. حدود یک‌میلیون مقاله علمی در این حوزه در دنیا منتشر شده که قابلیت تجمیع، تدوین و تحقیق دارد.

چه روش‌هایی دارید تا از صحت توضیحات تجربه‌کنندگان خود اطمینان حاصل کنید؟

۲دسته سنجه‌ها و آزمون‌های تجربه‌شناسی و تجربه‌گرشناسی که دسته اول حدود ۶۰مورد و دسته دوم حدود ۱۰مورد است و این سنجه‌ها را در بستر زمان افزوده و از حیث کیفی و کمی به‌روزرسانی می‌کنم.

پس از این همه برنامه‌سازی در این حوزه، نگاه خود شما به مرگ چگونه است؟

بسیاری از افراد مرگ را به نیستی و نابودی معنا می‌کنند اما بنده در مواجهه با این نوع تفکر باورم این است که «ابدا مرگی وجود ندارد.» ما نامیراییم و چیزی که وجود ندارد ترس هم ندارد و جمله همیشگی من این است: مرگ ترس ندارد، «من» ترس دارد.

اقوام و آشنایان و... وقتی که شما را می‌بینند چه بازخوردهایی به شما می‌دهند؟

واکنش‌ها بسیار عالی است. والدینم بسیار دعایم می‌کنند این روزها و برخی دیگر از خاطرات گذشته می‌گویند که همیشه به موضوعات معاد و معناگرایانه علاقه داشته‌ام.

خاطره جالبی هم از آنها دارید برایمان تعریف کنید؟

اما شاید جالب‌ترین آن خاطره‌ای باشد که خواهر کوچک‌ترم بیان می‌کند و آن اینکه حدود ۲۵سال پیش روزی در خانه از خواب بیدار شده‌ام و با چشمان خواب‌آلود در حالت نیمه‌خواب و نیمه‌بیدار به او نگاه کرده‌ام و گفته‌ام: «مرگ هم شکل دیگری از زندگی است.» و خواهرم با ترس و لرز به من نگاه می‌کرده. اما بنده که در دوران نوجوانی و جوانی به حرف زدن در خواب عادت داشتم، بدون اینکه بدانم چه گفته‌ام، سرم را روی بالش گذاشته و خوابیده‌ام. این روزها خواهرم این خاطره را که سال‌ها با خنده و شوخی بارها برای همه بیان کرده بود، حالا بیشتر و با آب و تاب بهتری بازتکرار و بیان می‌کند ولذا خانواده می‌گویند گویی سرنوشت‌ات این بود که روزی در سطح وسیع به این مقوله بپردازی.

حیات پس از مرگ

اگر می‌خواهید نگاه علامه طباطبایی درباره حیات پس از مرگ را بدانید، می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید. البته این کتاب ترجمه بخش از کتاب انسان اوست که شامل ۳بخش انسان قبل از دنیا و انسان در دنیا و انسان بعد از دنیاست. این کتاب به فارسی ترجمه شده است، کمی سخت‌خوان است و روایت‌های قرآنی جالبی از سرنوشت روح انسان بعد از مرگ دارد.

سیاحت غرب

معروف‌ترین کتاب در زبان فارسی در حوزه زندگی پس از مرگ را باید سیاحت غرب دانیم؛ اثری که آقا نجفی قوچانی از علمای اواخر قاجاریه نگاشته است. این کتاب، سرنوشت ارواح در پس از مرگ را طبق روایت‌های اسلامی بررسی می‌کند. این کتاب بارها بازنشر شده و حتی نسخه‌های صوتی آن در روزگاری که پادکست‌ها اینقدر رایج نبودند، تولید شد و فیلمی از آن ساخته شد.

معاد

کتاب‌های علامه مطهری به این ترتیب است که غالبا از منظر عقلانی و منطقی شروع به بحث کرده و به نتایج موردنظرش می‌رسد. در کتاب معاد نیز، شاهدیم که او ابتدا می‌خواهد دلایل معاد و زندگی روح پس از مرگ را از حیث عقلی اثبات کند و سپس به بحث‌های خود برسد. پس برای نسل عقل‌مدار امروزی، می‌تواند کتابی مناسب در حوزه سرنوشت ارواح باشد.

کمدی الهی

این اثر دانته الیگیری جزو کلاسیک‌های ادبیات اروپا و جهان محسوب می‌شود که البته به ماجرای سفر روح پس از مرگ پرداخته است. کتاب از زبان اول شخص است و دانته در آن، سفری خیالی به دوزخ، برزخ و بهشت دارد. گفته می‌شود که این کتاب احتمالا از یک کتاب شبیه به‌خود که زرتشتی‌ها نوشته بودند نیز اثر گرفته است.

زندگی پس از زندگی

از کتاب‌های شاخصی که در حوزه تجربه‌های نزدیک به مرگ نگاشته شده، زندگی پس از زندگی اثر ریموند مؤدی است. مؤدی ۳کتاب درباره تجربه نزدیک به مرگ نوشته و این ۹۰مورد تجربه نزدیک به مرگ موردبررسی و ارائه قرار گرفته. جالب اینکه فیلمی نیز از این کتاب ساخته شده که زمان ساختش به سال ۱۹۹۲ بازمی‌گردد و جایزه هم گرفته است.

یادداشت

روایت به‌جای نصیحت

عیسی محمدی

یکی از بزرگ‌ترین خلأهای برنامه‌سازی در صداوسیما را باید در حوزه برنامه‌سازی معارفی یا مذهبی جست‌وجو کرد. این خلأ وقت‌هایی خودش را بیشتر نشان می‌دهد که با یک مناسبت ریز و درشت روبه‌رو هستیم. آن وقت است که شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی، ما را به چنان برنامه‌های فکر نشده و گل‌درشتی می‌بندند که تنها راه گریز، آن است که تلویزیون و رادیو را خاموش کرده یا کانال‌های دیگر را جست‌وجو کنیم. اینها البته بدان معنا نیست که مردم از چنین برنامه‌هایی خسته‌اند؛ مردم از پندها، نصیحت‌ها و برنامه‌های خیلی ابتدایی خسته‌اند؛ چرا که احساس می‌کنند کسی حواسش به کیفیت مدنظر و استاندارد موردنظر و مورداحترام تماشاچی‌ها نیست و مخاطب در پهنه رسانه و ارتباطات، نخستین نفری است که به این درک می‌رسد.

ادعا می‌کنیم که مردم علاقه‌مند به برنامه‌های معارفی هستند اما برنامه‌سازها کم‌لطفی می‌کنند و اساسا ابتدایی‌ترین حرف‌ها، سناریوها، تدوین‌ها، مهمان‌ها و... را برای این برنامه‌ها درنظر می‌گیرند. برای اثبات این ادعا نیز کافی است نیم‌نگاهی به برنامه‌هایی چون «زندگی پس از زندگی»، «ماه عسل»، «سمت خدا» و... بیندازید. شاید کمتر کسی فکر می‌کرد به این زودی و در غیاب ماه عسل احسان علیخانی، برنامه و برنامه‌سازی ظهور کند که چشم و چراغ برنامه‌سازی معارفی در صداوسیما بشود. و آن‌هم بدون اینکه در جست‌وجوی شعار و پندی باشد اما حالا عباس موزون و زندگی پس از زندگی او، هم افراد عامی را پای تلویزیون و شبکه چهارم سیما نشانده و هم افراد نخبه جامعه را. مگر یک برنامه و یک شبکه دیگر چه می‌خواهد؟ اما چرا زندگی پس از زندگی که این‌چنین چراغ خاموش به خانه‌های مردم آمد، به این موفقیت رسید؟ شاید بازخوانی دلایل این موفقیت، برای دیگر برنامه‌سازان و افرادی که در حوزه برنامه‌سازی معارفی و مذهبی کار می‌کنند، گرانبهاتر از الماس باشد.

اولین دلیل موفقیت این برنامه را، باید در یک گرایش روایی دانست. در دنیای نویسندگی عرض می‌شود که وقایع و پدیده‌ها را تعریف نکنید، نشان بدهید. جالب اینکه این اصل بعدها به حوزه رسانه نیز راه پیدا کرد. این اصل در واقع عصاره داستان‌نویسی، روایت‌نویسی و دیگر هنرهای نمایشی است. عباس موزون به‌عنوان فردی که تجربه‌های رسانه‌ای مختلفی داشته و تحصیلات دانشگاهی متنوعی را هم پشت سر گذاشته، به خوبی از این اصل مطلع بوده و هست. او قصد ندارد کسی را نصیحت کند؛ تنها کاری که می‌کند آن است که با اتکا به دانش پژوهشگری خود، دنبال موردهای مناسب برای مصاحبه می‌گردد و سپس پای حرف‌های آنها می‌نشیند. او تنها سؤال می‌کند تا روایت‌ها کامل شود؛ نه اینکه مانند غالب مجری‌ها سؤال کند تا خود را نشان بدهد. او می‌داند که در چنین مصاحبه‌های مهمی، اصل روایت مصاحبه‌شونده است و مصاحبه‌کننده باید در این میانه ناپدیدار باشد و صرفا تسهیل‌کننده روایت.

دلیل بعدی، انتخاب هوشمندانه موضوع است. همه ما بسیار اتفاق می‌افتد که با تلنگری، به یاد مرگ و جهان پس از مرگ می‌افتیم. در واقع و به نوعی، مهم‌ترین مسئله انسان همین جهان پس از مرگ است؛ چرا که مقصد ماست. از سوی دیگر مشخص نیست ما چه زمانی در دنیا حضور خواهیم داشت. قانون احتمالات، این زمان را از یک‌دقیقه تا یکصدسال می‌تواند تخمین بزند؛ به‌عبارت دیگر، ما ممکن است در کمتر از یک دقیقه دیگر، به آن مقصد رسیده باشیم. آیا عاقلانه است که از مقصد خودمان که قرار است تا ابد در آن اقامت داشته باشیم، چیزی ندانیم؟ پس زندگی پس از مرگ را باید مهم‌ترین دغدغه فراموش شده آدمی بدانیم که این برنامه، دست روی آن گذاشته است.

سومین دلیل موفقیت این برنامه را باید در نیروی ذخیره فوق‌العاده ارزشمند مجری و تهیه‌کننده آن دانست. نیروی ذخیره، یعنی حرف‌ها، مطالعات، پژوهش‌ها و اطلاعاتی که درباره موضوع موردنظر دارید اما فرصتی فراهم نمی‌شود که بیان‌شان کنید. این «دیتا»ها شاید هیچ وقت بیان نشوند اما اعتباری صدچندان به برنامه می‌بخشند و اعتمادبه‌نفس مجری و کارشناس را در صحبت و اجرا بالا می‌برند. در واقع ما در زندگی پس از زندگی، با اجرای یک پژوهشگر روبه‌رو هستیم تا یک مجری صرف یا حتی یک مجری کارشناس صرف. زندگی موزون را پژوهش پیرامون تجربه‌های نزدیک به مرگ می‌سازد و او چه برنامه بسازد و چه نسازد، دنبال چنین گرایشی هست. پس بی‌راه نیست اگر برنامه او این‌چنین گیرا از آب درمی‌آید و همه با آن ارتباط می‌گیرند.

دلایل بعدی موفقیت برنامه را هم باید احاطه او بر زبان انگلیسی و ارتباط گرفتن با پژوهشگران شاخص حوزه خود در سطح بین‌المللی و همچنین استفاده از عناصر سینمایی و برنامه‌سازی حرفه‌ای در برنامه‌اش دانست. موضوع بعدی هم، احترام او به مصاحبه‌شوندگان و تعامل انسانی و درست با آنهاست؛ که این امر ناشی از شخصیت خاص و دوست‌داشتنی این مجری است؛ ادبی که او در مقابل مصاحبه‌کنندگان خود دارد را شاید حتی در برنامه‌های شاخص معارفی دیگر صداوسیما کمتر بتوان سراغ گرفت. این مجری در واقع با چیزی که ساخته است به استقبال مخاطبش می‌رود؛ نه با حرف‌هایی که دارد. به همین دلیل است که برنامه‌اش در ابتدای فصل سوم و در کمتر از دوسال‌واندی، این‌چنین اثرگذار ظاهر شده و به نوعی به «برند» و شناسه برنامه‌های مذهبی و معارفی شبکه چهارم و صداوسیما تبدیل شده است.